

## اضطرار در حقوق مسؤولیت مدنی

تاریخ دریافت: ۸۲/۸/۱۵

تاریخ تأیید: ۸۲/۱۰/۳

محمد باقر پارساپورا

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی اضطرار و جایگاه آن در حقوق مسؤولیت مدنی پرداخته است. بدون تردید اضطرار، وصف تقصیر را از فعل زیانبار زدوده، اقدامی را که در وضعیت عادی، نامشروع و حرام است، مشروع و مباح می‌سازد. ولی آیا می‌تواند مضطر را از آثار و پیامدهای آن معاف سازد؟ در این باره نظامهای حقوقی یکسان نمی‌اندیشند.

در یک دیدگاه، اضطرار، رافع مسؤولیت مدنی نیست و مضطر باید خسارات وارد به زیان دیده را جبران کند. هر چند در بعضی از نظامها به قضات اختیار تام داده شده که با رعایت موازین انصاف در میزان محکومیت خواننده تعدیل نمایند. بنابر دیدگاه دیگر، چون در موارد اضطرار، اقدام وارد کننده زیان برای دفع ضرر بزرگ‌تر از خود یا دیگری است، اضطرار سبب معافیت شخص از مسؤولیت مدنی است.

قطع نظر از مبحث بالا که در جای خود حایز اهمیت است، اضطرار می‌تواند در برخی موارد، تعهدات دیگری برای بعضی اشخاص ایجاد کند. تعهداتی که نمی‌توان آنها را در چارچوب مسؤولیت مدنی مورد مطالعه قرار داد، بلکه باید برای توجیه آنها از دیگر مبانی ایجاد تعهد کمک گرفت. نگارنده تلاش دارد تا ضمن بررسی این موضوع، در حد امکان، ابهاماتی را که در این زمینه وجود دارد بر طرف نماید.

**واژگان کلیدی:** اضطرار، اکراه، مسؤولیت مدنی، استفاده بدون جهت، اداره مال غیر.

## مقدمه

مقصود از طرح این بحث، بررسی جایگاه و نقش اضطرار در حقوق مسؤولیت مدنی و تأثیراتی است که به لحاظ تنوع مصادیق در روابط میان اشخاص مختلف می‌گذارد. معمولاً نخستین بحثی که دربارهٔ اضطرار مطرح می‌شود، این است که آیا اساساً اضطرار می‌تواند دارای ماهیتی مستقل و جدا از اکراه داشته باشد یا خیر؟ نوع پاسخی که به سؤال بالا داده می‌شود، از جنبهٔ عملی در رابطهٔ میان عامل ورود زیان و خسارت دیده نقشی تعیین کننده را ایفا خواهد کرد.

مطابق با دیدگاهی که به یگانگی مفهوم اضطرار و اکراه معتقد است، اضطرار یکی از حالات مختلف اکراه است. در نتیجهٔ همان شرایطی که برای تحقق اکراه اعتبار دارد، در مورد اضطرار نیز ضروری است و اضطرار دارای نتایج و آثار حقوقی مشابه با اکراه خواهد بود (قلعه چی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۱۲۸۱).

بنابر دیدگاه دیگر که به وجود مرزبندی دقیق و مشخصی بین این دو اعتقاد دارد، نقش اضطرار و چگونگی تأثیر آن در مسؤولیت مدنی، نیازمند به تأمل بیشتری است (کامل، ۱۴۲۰: صص ۲۸۷ - ۲۸۶؛ شهیدی، ۱۳۷۷: ج ۱، صص ۱۹۳ - ۱۹۲).

بحث دربارهٔ اضطرار صرفاً به رابطهٔ میان عامل ورود زیان و خسارت دیده ختم نمی‌شود؛ زیرا گاه اتفاق می‌افتد که اضطرار به دلیل ویژگی خاصی که بعضی مصادیق آن دارد، روابطی دیگر با الزامات و تعهداتی متفاوت با مسؤولیت مدنی را نیز به وجود می‌آورد.

بر این اساس، در مقالهٔ حاضر که با عنوان اضطرار در حقوق مسؤولیت مدنی تدوین یافته است، موضوعات زیر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است:

مفهوم اضطرار، حد و مرز اضطرار، تأثیر اضطرار در مسؤولیت مدنی و مصادیق اضطرار.

### ۱- مفهوم اضطرار

اضطرار در لغت عرب، مصدر باب افتعال از ریشهٔ «ضَرَّ، يَضُرُّ، ضَرّاً» به معنی محتاج بودن، درمانده و ناچار بودن و مجبور شدن آمده است. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ج ۸، ص ۴۵؛ المقری الفیومی، ۱۳۴۷: ج ۲، ص ۷)

دربارهٔ مفهوم اضطرار، صاحب نظران اختلاف نظر دارند. اغلب استادان فرانسوی در نوشته‌های خود، اضطرار را یکی از حالات مختلف اکراه دانسته و تحت عنوان اکراه ناشی

از مقتضیات خارجی (Violence resultant des Circonstances Exterieurese) و یا اکراه ناشی از حوادث (Violence Resultant des Evenements) مورد بررسی قرار داده‌اند. (غفوریان: ۱۳۶۰، ص ۱۲۹).

در میان مؤلفان حقوق داخلی نیز برخی به این اتحاد و یگانگی تمایل دارند. دکتر کاتوزیان در این باره می‌نویسد:

«چه تفاوت می‌کند که تحمیل بر اراده، نتیجه تهدید انسانی دیگر باشد یا اوضاع و احوال آن را به وجود آورد» (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۵۱۷)

در یک دیدگاه مخالف، در فقه اسلامی و حقوق ایران، اضطرار و اکراه به لحاظ ماهیت و آثار حقوقی متفاوت‌اند بنابراین ارائه ملاکی دقیق که این دو را از یکدیگر متمایز سازد، ضروری است.

در حقوق ایران، قانون‌گذار تعریفی از اضطرار به دست نداده است. مؤلفان حقوقی نیز در این باره وحدت نظر ندارند (امامی، ۱۳۶۶: ص ۱۹۴؛ شهیدی: ص ۱۹۳؛ کاتوزیان، ۱۳۶۹: ص ۱۷۸). در بعضی تعریفهای ارائه شده از اضطرار، بر این امر تأکید شده است که در موارد اضطرار، تهدید از خارج به وسیله شخص وجود نداشته و این اوضاع و احوال است که شخص را وادار می‌کند به رغم میل باطنی خود، عملی را انجام دهد. (امامی: ج ۱، ص ۱۹۴؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷: ج ۱، ص ۸۱)

در میان فقیهان نیز برخی به نکته فوق اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال، مرحوم شیخ انصاری در بیان تفاوت میان اکراه و اضطرار چنین می‌نویسد:

«تفاوت بین اکراه و اضطرار در حدیث رفع، این است که اضطرار از عمل کسی ناشی نمی‌شود؛ بلکه معلول عواملی از قبیل گرسنگی، تشنگی، بیماری و... است» (انصاری: ۱۴۱۰: ج ۸، ص ۸۱).

ولی به نظر می‌رسد که صرف وقوع تهدید از خارج به وسیله شخص یا اشخاص را نمی‌توان در تحقق اکراه کافی دانست؛ بلکه علاوه بر آن، باید مستقیم یا غیرمستقیم بودن تهدید نسبت به انجام عمل را نیز ملاحظه کرد.

بنابراین در تعریف اکراه و اضطرار می‌توان گفت: «اکراه فشار و تهدیدی است که شخص آن را به منظور وادار کردن دیگری به انجام عملی به او وارد می‌سازد و اضطرار فشار و تهدیدی است که دارای چنین وضعیتی نباشد».

بنابر تعریف بالا، اضطرار ممکن است از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، جسمی، عواطف و احساسات شخص مضطر و یا حوادث طبیعی و غیرمترقبه ناشی شود. همان طور که این امکان وجود دارد که وضعیت اضطراری در نتیجه فشار و تهدیدی به وجود

آید که به وسیله شخص به دیگری وارد می‌گردد؛ ولی این تهدید به طور مستقیم بر انجام عمل اضطراری نیست؛ ولی او برای احتراز از اثر تهدید، ناچار از انجام آن عمل می‌شود (شهیدی: صص ۱۹۳ و ۲۴۴).

در میان فقیهان امامیه، مرحوم سید محمد کاظم یزدی به این نکته تصریح نموده و در این باره می‌نویسد:

«از اقسام اضطرار، موردی است که شخص، دیگری را وادار به پرداخت مبلغی پول می‌کند و برای شخص مزبور، راهی جز فروش زمین یا خانه‌اش وجود نداشته باشد؛ در چنین صورتی، وادار نمودن دیگری به خاطر پرداخت مبلغ مزبور است نه فروش خانه (یا زمین) و به حکم ضرورت (اضطرار) است که معامله بیع واقع می‌شود» (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۴۲).

## ۲- حد و مرز اضطرار

در حالت اضطرار، این امکان وجود دارد که شخص مضطر برای دفع ضرر بزرگ‌تر از خود یا دیگری، ناگزیر از ارتکاب عملی گردد که در اثر آن، به دیگری ضرری وارد شود.

در باب مسؤولیت مدنی، بحث قابل طرح، راجع به نوع ضرر و خطری است که شخص را در وضعیت اضطراری قرار داده و او را وادار می‌کند که برای دفع آن به ارتکاب عمل زیانبار دست یازد.

در این باره بعضی فقیهان اسلامی ضرر جانی را مورد توجه قرار داده و معتقدند اضطرار آن است که انسان در وضعیت و شرایطی قرار بگیرد که اگر عمل ممنوع (نامشروع) را انجام ندهد، هلاک می‌شود.

از فقیهان امامیه، مرحوم شیخ طوسی در این باره چنین نوشته است:

«مضطر کسی است که می‌ترسد که اگر نخورد می‌میرد» (طوسی، ۱۳۷۸: ج ۶ ص ۲۸۴)

در این تعریف، شاگرد او قاضی ابن البراج، ابن ادریس و علامه در کتاب *مختلف*

*الشیعه* از وی پیروی کرده‌اند (جبعی عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۱۱۳).

از فقیهان عامه نیز حموی در تعریف اضطرار می‌نویسد:

«اضطرار این است که انسان به حدی برسد که اگر چیز حرامی را نخورد می‌میرد»

(حنفی حموی، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۲۷۷).

برخی دیگر از حد مزبور فراتر رفته، معتقدند چنانچه خطر و ضرری، سلامتی انسان را تهدید کند، هر چند منجر به هلاکت او نیز نگردد، شخص را در وضعیت اضطراری قرار

می‌دهد.

مشهور فقیهان امامیه در این باره معتقدند اضطرار با چند چیز تحقق می‌یابد:  
خوف از تلف: اگر گوشت مردار نخورد می‌میرد؛ خوف از بیماری: اگر گوشت مردار  
نخورد بیمار می‌شود؛ خوف از ضعفی که موجب شود انسان از قافله عقب بماند؛ خوف از  
طولانی شدن بیماری یا سخت شدن معالجه و... (حلی، ۱۴۰۹: ج ۶، صص ۱۶۹ - ۱۶۸؛ فیض کاشانی،  
۱۴۰۱: ج ۳، ص ۲۲۶؛ در تائید این دیدگاه در فقه عامه: زرکشی شافعی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۳۱۹؛ مروارید، ۱۴۲۱:  
ج ۳۵، صص ۴۸۰-۴۷۹).

بعضی از فقیهان قلمرو اضطرار را به موارد خطر و ضرر مالی توسعه داده و برآنند که  
اگر خوف ضرر مالی به حدی برسد که تحمل آن عادتاً مشکل و موجب حرج شود،  
ارتکاب محرمات بر شخص مباح خواهد بود.

میرزا حبیب الله رشتی از فقیهان بنام شیعه، در مواردی که جان یا مال انسان در  
معرض خطر قرار بگیرد، دفع ضرر را به حکم عقل و نقل واجب می‌داند و در چنین  
وضعیتی بر آن است که ضرورت پیش‌آمده، هر عمل ممنوعی را مباح می‌سازد. وی در  
این باره می‌نویسد:

«ضرورتها محرمات را در هر درجه‌ای که باشد، مباح می‌سازد. لذا دفع ضرر از جان  
و مال به حکم عقل و نقل واجب و از ضروریاتی است که هیچ امر حرامی نمی‌تواند با آن  
مقابله نماید» (رشتی، ۱۳۲۲: ص ۴۲).

در میان نویسندگان اهل سنت، صبحی محمصانی در این باره می‌نویسد:  
«در عرف علمای اصول، حالت اضطرار حالتی است که در آن، شخص به هدف حفظ  
دین، جان، مال یا نسل خود از هلاکت ناگزیر از انجام عملی می‌شود» (محمصانی، ۱۹۸۰:  
ص ۳۰۳).

به نظر می‌رسد در اضطرار، مصادیق ضرر، محدود به ضرر جانی و مالی نبوده، بلکه  
شامل مواردی که آبروی انسان در معرض تهدید قرار می‌گیرد نیز می‌شود؛ چه آبرو و  
حیثیت شخص، اهمیت کمتری از جان و مال او ندارد. آنچه در اینجا مهم است، نوع  
ضرر نیست؛ بلکه مهم این است که اقدام شخص به ارتکاب عمل زیانبار برای احتراز از  
ضرری باشد که در مقایسه با زیان به وقوع پیوسته، بزرگ‌تر و مهم‌تر است.

### ۳\_ تأثیر اضطرار در مسؤولیت مدنی

پرسش قابل طرح این است که اگر شخص یا اشخاصی بر اثر اضطرار مرتکب  
اعمالی شوند که سبب ایراد خسارت شود، آیا می‌توان آنها را مسؤول دانست یا خیر؟

به طور کلی در این باره دو دیدگاه متفاوت وجود دارد:  
در یک دیدگاه، اضطراب شخص را از مسؤولیت مدنی معاف نمی‌کند و خسارت وارد بر زیان دیده نمی‌بایست بدون جبران باقی بماند؛ در دیدگاه دیگر، اضطراب را باید سبب مشروع شدن فعل زیانبار و رافع مسؤولیت مدنی دانست.

در این قسمت از بحث، نگارنده به مطالعه و بررسی این دو دیدگاه پرداخته است:  
۱\_ اینکه اضطراب از اسباب معاف شدن شخص در قبال خسارات وارد به دیگری نیست، به عنوان قاعده‌ای کلی در حقوق اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته است (حسینی عاملی، بی تا: ج ۵، ص ۴۵۰، المجلس الاعلی للشیون الاسلامیه، ۱۴۱۰: ج ۱۴، ص ۶۲).  
در فقه امامیه، صاحب جواهر در این باره می‌نویسد:

«اگر شخصی متاع دیگری را به جهت بیم جان او یا خود و یا دیگری (به دریا) بیندازد، اگر مالک به او اذن نداده باشد، به دلیل قاعده اتلاف و غیر آن (از قواعد باب ضمان) ضامن است و در این نظر، بین کسانی که متعرض مساله شده‌اند خلافی ندیده‌ام» (نجفی، ۱۹۸۱: ج ۴۳، ص ۱۵۳).

در فقه عامه نیز بعضی از فقیهان بدین نکته تصریح نموده‌اند که اضطراب موجب از بین بردن حق غیر نمی‌شود (الاضطرار لایبطل حق الغیر). بنابراین آنجا که شخص از روی ناچاری مال دیگری را تلف می‌کند، ضامن شناخته می‌شود (التملة، ۱۴۲۰: ص ۹۵-۹۳).  
به نظر می‌رسد که از نظرگاه فقهی و حقوقی، استناد به قاعده اتلاف در مواردی که مضطر صرفاً سبب از بین بردن مال دیگری را فراهم کرده باشد نیز امکان‌پذیر است. در اتلاف، از دیدگاه فقه، تفاوتی میان مباشرت و تسبیب نیست و صرفاً صدق تلف عرفی است که ایجاد مسؤولیت می‌کند.

بر این اساس، برای اینکه زیان دیده بتواند به مضطر مراجعه کند، کافی است که رابطه علیت عرفی بین فعل او و زیان وارده به خود را به اثبات برساند. (حسینی مراغی، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۴۳۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۲۰۶).

ممکن است توهم شود که برای نفی مسؤولیت مضطر می‌توان به حدیث رفع در فقره (ما اضطرروا الیه) استناد کرد؛ ولی همان‌طور که گفته شده است، حدیث یادشده در مقام امتنان به همگان وارد شده است (انصاری، ۱۳۶۵: ص ۳۲۴). و با توجه به اینکه رفع مسؤولیت از مضطر به دلیل تزییع حقوق زیان‌دیده، حکمی بر خلاف امتنان می‌باشد، باید بر این عقیده بود که حدیث رفع در این مورد صرفاً کاری را که در شرایط عادی نامشروع است در وضعیت اضطراری مشروع می‌سازد و ناظر به مسؤولیت مدنی نیست.

ولی در فقه عامه، شافعی با این قول مخالفت کرده است و بر آن است که چون مضطر با اذن شرع و بدون تعدی مرتکب عمل زیانبار شده است، قول به ضمان مضطر با اباحه شرعی منافات دارد (مرقس، ۱۹۹۲: ج ۱، ص ۲۸۵؛ همو، ۱۹۵۸: ج ۱، ص ۹۱؛ محمضانی، ۱۹۴۸: ج ۱، ص ۱۷۹). استدلال فوق مبتنی بر قاعده فقهی «الجواز الشرعی ینافی الضمان» است (البوزنو، ۱۴۲۴: ج ۵، ص ۵۸) که در فقه عامه مطرح شده و مطابق آن هر کجا اذن و اباحه شرعی وجود داشته باشد، موضوع ضمان منتفی است.

پاسخی که در این باره داده شده است این است که مجرد اذن و اباحه شرعی نافی ضمان نیست (نجفی: ص ۱۴۶)؛ بلکه با چنین ادنی، صرفاً شخص مجاز می‌شود که مال دیگری را بدون رضایت او تلف کند. ولی عدالت در مقام تشریح حکم می‌کند که مضطر از مسؤولیت معاف نگردد (البوزنو: ص ۵۹؛ اسماعیل ۱۴۱۷: صص ۱۱۰-۱۰۹).

در حقوق ایران نیز قانون‌گذار در یک موضع‌گیری موافق با فقه اسلامی، به‌رغم اینکه اضطرار را به عنوان عامل توجیه‌کننده فعل زیانبار مورد پذیرش قرار داده و چنین مقرر داشته است که در وضعیت اضطراری چنانچه شخص، مرتکب جرم شود مجازات نخواهد شد. ولی با وجود این، به ضمان مضطر و لزوم جبران خسارات وارده به دیگری حکم نموده است.

مطابق ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی، «هر کس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی، سیل و طوفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود، مجازات نخواهد شد، مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای دفع آن ضرورت داشته است.» و در تبصره این ماده چنین آمده است: «دیه و ضمان مالی از حکم این ماده مستثنی است.»

در توجیه مسؤولیت مضطر گفته شده است که «اضطرار کاری را که در شرایط متعارف تقصیر است توجیه می‌کند؛ لیکن انتساب کار زیانبار را به شخص منتفی نمی‌سازد (بر خلاف اجبار) و از این راه خللی به ارکان مسؤولیت وارد نمی‌سازد. بنابراین اگر کسی برای دفع ضرر از خود، مال دیگری را تلف کند، باید مثل یا قیمت آن را بدهد (قاعده اتلاف) (کاتوزیان: صص ۱۷۹-۱۷۸).

به‌عنوان تعدیلی بر نظریه نخست که در کشورهای خانواده حقوقی رومی ژرمنی مشاهده می‌گردد، در تعیین میزان خسارتی که مضطر می‌باید پرداخت کند، ملاحظات اخلاقی و توأم با انصاف (Equitable consideration) مدنظر قرار گرفته است؛ زیرا هرچند تحمل ضرر از جانب زیان‌دیده برای دفع ضرر از دیگری فاقد توجیه است، از سوی دیگر،

محکوم نمودن مضطر به پرداخت کلیه خسارت وارده به زیان‌دیده نیز با موازین عدالت و انصاف سازگاری ندارد. بر این اساس، در حقوق این کشورها به قضات اختیار تام داده شده است تا در چنین مواردی مطابق قاعده انصاف، فاعل زیانبار را به پرداخت مبلغی به عنوان غرامت محکوم نمایند.

از باب نمونه، در بند ۲ از ماده ۵۲ قانون تعهدات کشور سوئیس چنین آمده است: «قاضی، به‌طور منصفانه، میزان خسارات قابل تحمیل به کسی را که برای جلوگیری از ورود خسارت به خود یا شخص ثالث و یا جلوگیری از یک خطر قریب الوقوع به دیگری وارد کرده، تعیین می‌کند.»

در این زمینه می‌توان به ماده ۲۰۴۵ قانون مدنی ایتالیا و ۱۱۸۸ قانون مدنی ونزوتلا نیز اشاره کرد (Mohr & TUBINGEN, 1973: VOL XL, PART I, P.P.86\_88).

۲\_ در دیدگاه دوم، اضطرار می‌تواند مضطر را از مسؤولیت مدنی معاف نماید. ولی در این مورد باید این موضوع مورد مذاقه قرار گیرد که آیا یک انسان متعارف در رویارویی با چنین خطر و تهدیدی به ایراد چنین خسارتی اقدام می‌نمود یا خیر. بدیهی است که هیچ انسان متعارفی به خاطر حفظ منافع اقتصادی خود، به کشتن کسی اقدام نمی‌کند؛ در حالی که اگر شخصی به خاطر نجات کودکی که در اتومبیل آتش گرفته گرفتار شده است، از پتو یا برزنت متعلق به دیگری استفاده کند، اضطرار می‌تواند معاف‌کننده شخص از مسؤولیت مدنی باشد.

نگرش بالا را می‌توان در حقوق فرانسه و دیگر کشورهای خانواده حقوقی فرانسه مشاهده کرد (Ibid: p.84).

در حقوق آلمان نیز مطابق ماده ۲۲۸ قانون مدنی، «هر کس مال مربوط به دیگری را برای دفع خطری که او یا دیگری را تهدید می‌نماید تلف یا معیوب نماید، اقدام او تا جایی که دفع خطر مستلزم اتلاف و تخریب بوده و ضرر متناسب با این خطر باشد، مخالف قانون به حساب نمی‌آید. ولی اگر فاعل زیان، خود مسبب این خطر باشد، ضامن جبران خسارات خواهد بود» (Ibid: p.85).

در کشورهای خانواده حقوقی کامن‌لا، نظیر انگلیس، آمریکا و زلاندنو نیز اضطرار، مسؤولیت جبران خسارات کامل بر مبنای شبه جرم (Tort) را منتفی می‌سازد، مگر اینکه مضطر در ارتکاب عمل زیانبار مرتکب تقصیر شده باشد؛ ولی در هر مورد، خواننده (مضطر) باید ثابت کند که در آن اوضاع و احوال، به‌طور معقولانه‌ای عمل کرده است.

(Ibid: p.86 Prosser, 1969 p.83 Boppows and Others, 1991: p.844Markesinis & Dekin, 1994: p.p. 362\_374).

بنابراین عمل خوانده در بیرون انداختن اموال خواهان به دریا به جهت بیم از غرق شدن کشتی به هنگام وقوع طوفان و نیز تخلیه نفت از یک کشتی در نزدیکی ساحل متعلق به خواهان با این باور که چنین عملی برای جلوگیری از غرق شدن کشتی ضرورت دارد، می‌تواند شخص را از مسئولیت مدنی معاف سازد.

در کامن‌لا، مؤلفان حقوقی (Prosser P.127 Borrows and Others: p.843) اساس دفاع اضطرار و مبنای حکم به عدم مسئولیت مدنی مضطر را آمیخته‌ای از «احسان و نیکوکاری (Charity)»، حفاظت و نگهداری از منافع عمومی (Maintenance of the public good) و حمایت از خود (Self protection) می‌دانند.

در حقوق انگلستان (لرد کاف (Lord Coff) در سه مورد زیر از اضطرار به عنوان دفاعی موجه یاد کرده است:

جایی که اضطرار جنبه اجتماعی پیدا می‌کند؛ مانند تخریب، انهدام و از بین بردن اموال برای جلوگیری از سرایت آتش نظیر آتش سوزی بزرگ لندن (۱۶۶۶م).

جایی که اضطرار چهره شخصی به خود می‌گیرد؛ مانند موردی که خوانده برای جلوگیری از سرایت آتش به ملک خود، به ملک خواهان وارد می‌شود؛ برای مثال، در پرونده (Cope v. Sharp; 1912) خوانده (یک شکاربان) به ملک مجاور که از آن خواهان بود رفته و برای جلوگیری از سرایت آتش به ملک خویش که در آن قرقاولها نشسته بودند، در مقابل آن سدی ایجاد کرد. خواهان با استناد به اینکه به ملک او تجاوز شده است، اقامه دعوی کرد. دادگاه رأی داد خوانده به‌طور معقولانه‌ای عمل کرده؛ زیرا سرایت آتش یک تهدید واقعی بود. جایی که شخص به جهت یاری رساندن به دیگری که جان یا مال او در معرض یک خطر قریب الوقوع قرار گرفته است اقدام می‌نماید.

(Markesinis & Deakin: P.427; Scott, 1981: P.P.155\_156)

شایان ذکر است در حقوق فرانسه، حتی با وجود اینکه اضطرار، شخص را از جبران خسارت وارده بر مبنای مسئولیت مدنی مبرا می‌سازد؛ رویه قضایی و دکترین در خصوص جبران بخشی از خسارات بر مبنای استفاده بدون جهت (دارا شدن غیر عادلانه) نظر مساعدی از خود نشان داده است.

در حقوق انگلیس و آمریکا نیز هرچند روشن نیست که آیا می‌توان برای مضطر مسئولیتی بر مبنای شبه عقد (quasi\_contract) در نظر گرفت، به نظر می‌رسد دادگاهها در پاره‌ای موارد، نسبت به معاف کردن مضطر از جبران کلیه خسارات، چندان تمایلی از خود نشان نمی‌دهند و به دنبال این هستند که تا حدودی از شاکی زیان دیده رفع ضرر

شود و غرامتی به او پرداخت شود. در این صورت، مسؤولیت مضطر محدود به پرداخت بهای آن چیزی است که تلف کرده است که به طور معمول، کمتر از خسارات وارده به مالک خواهد بود (Jones, 1991: p.380; Prosser: P.129).

#### ۴\_ مصادیق اضطرار

بر خلاف عقیده بعضی مؤلفان (قاسم زاده، ۱۳۷۸: ص ۲۲۰) که در تعریف اضطرار فقط اضرار به غیر را مدنظر قرار داده‌اند، گاه ممکن است مضطر، خود متحمل خسارت شود. بنابراین می‌توان مصادیق اضطرار را در چهار فرض زیر مورد بررسی قرار داد:

اضرار به غیر برای دفع ضرر از خود؛ اضرار به غیر برای دفع ضرر از دیگری؛ اضرار به غیر برای دفع ضرر از او؛ اضرار به خود برای دفع ضرر از غیر. در اینجا درباره هر یک از موارد فوق توضیحی هرچند به اختصار خواهیم داد:

##### ۱\_ اضرار به غیر برای دفع ضرر از خود

مثالهای معروف در فقه، موردی است که شخص گرسنه برای حفظ جان خود، ناگزیر شود که از طعام دیگری استفاده کند یا کالای دیگری را به جهت بیم جان خویش و غرق شدن کشتی به دریا بیندازد.

در مثال نخست (استفاده از طعام دیگری) بیشتر فقیهان اسلامی، مضطر را ضامن شناخته‌اند. در فقه مالکی دو نظریه دیگر نیز مطرح شده است: مضطر مسؤول و ضامن نیست؛ زیرا از یک سو به منظور حفظ جان خود و سد رمق، به چنین کاری اقدام کرده است؛ و از سوی دیگر، نجات مضطر از خطر هلاکت، عملی است که بر مالک واجب بوده است.

قول دیگر این است که اگر مضطر به هنگام اضطرار، قدرت پرداخت بهای آن چیزی را که خورده است داشته باشد، در مقابل مالک ضامن است؛ در غیر این صورت، مسؤولیتی بر عهده او نیست (المجلس الاعلی للثوون الاسلامیه: ج ۱۴، ص ۸۷).

در مورد دوم نیز در فقه، عقیده بر این است که اگر مضطر کالای دیگری را با اذن او به دریا بیندازد ضامن نیست؛ در غیر این صورت، باید خسارت وارد بر مالک را جبران نماید.

در موارد یاد شده، فقیهان به دلیل اینکه اذن مالک وجود ندارد و اذن شارع نیز صرفاً حرمت و مؤاخذه بر ارتکاب عمل را بر می‌دارد، به مقتضای قاعده اتلاف و احترام

مال غیر، به ضمان مضطر حکم نموده‌اند (طوسی، ج ۷، ص ۱۷۰؛ حسینی عاملی: ص ۴۴۹).  
در حقوق فرانسه، چنانچه عمل اضطراری به منظور حمایت از جان یا مال خواننده  
(عامل ورود و زیان) انجام بگیرد، بدون شک قاعده دارا شدن غیرعادلانه (unjust  
enrichment) مورد استفاده قرار می‌گیرد. بحث در موردی است که تلاش خواننده برای  
دفع ضرر از خود (مثلاً اطفای حریق) به شکست بینجامد و با وجود این، مال متعلق به  
دیگری از بین برود. در این باره، قضات و نویسندگان حقوقی، این مطلب را مورد توجه  
قرار داده‌اند که لازم است قاعده مزبور توسعه یابد. (Mohr & Tubingen: P.85)  
در کامن‌لا نیز در بعضی موارد به زیان‌دیده اجازه مطالبه غرامت داده شده است. از  
باب نمونه در حقوق آمریکا، در موردی که کشتی در اثر طوفان به طور اضطراری در یک  
اسکله لنگر انداخته باشد، مالک کشتی مکلف است از بابت خساراتی که به اسکله وارد  
شده است غرامتی را به زیان‌دیده پرداخت نماید. (ibid: p.86; Prosser: P.179)

## ۲\_ اضرار به غیر برای دفع ضرر از دیگری

چنانچه اضرار مالی به غیر برای حفظ و نجات دیگری باشد، بدون تردید چنین  
عملی نه تنها جایز، بلکه به دلیل وجوب حفظ نفس محترم از هلاکت و عدم برابری هیچ  
چیز با جان انسان، امری واجب است. ولی پرسش قابل طرح، این است که در این  
صورت، ضمان بر عهده چه کسی است؟

فقیهان اسلامی در این مورد به استناد قاعده اتلاف، تلف‌کننده را ضامن می‌دانند؛ از  
باب نمونه، صاحب جواهر و محقق ثانی در موردی که شخص، کالای دیگری را به خاطر  
حفظ جان غیر به دریا می‌اندازد، در فرضی که صاحب کالا چنین اجازه‌ای نداده باشد،  
وی را ضامن دانسته‌اند (نجفی: ص ۱۵۳؛ کرکی، ۱۴۰۸: ج ۵، ص ۴۰۳).

در این مورد در حقوق ایران بنا به عقیده بعضی استادان، چنانچه عامل ورود زیان،  
خود از حادثه زیانبار نفعی نبرده، بلکه برای احتراز از زیان بزرگ‌تر از غیر، ناچار شود که  
به دیگری ضرر برساند، باید کسی را که از اتلاف مال سود برده است، به عنوان استفاده  
کننده بدون جهت، مسؤول شناخت و مضطر را معاف از مسؤولیت دانست؛ چه نمی‌توان  
کسی را که به قصد نیکی و برای پیش‌گیری از ضرر دیگران یا جامعه دست به اقدامی  
می‌زند ضامن شمرد (کاتوزیان: ص ۱۸۱).

به عقیده نگارنده، استناد به قاعده احسان در اینجا برای نفی مسؤولیت از عامل  
ورود زیان قابل انتقاد است؛ چه مطابق این قاعده، هرگاه کسی به انگیزه خدمت و

نیکوکاری به دیگری، دست به کاری بزند که موجب خسارت به وی شود، اقدامش مسؤولیت‌آور نیست. بنابراین شرط معافیت محسن از ضمان، این است که احسان راجع به همان شخصی باشد که زیان دیده است. البته چنانچه اقدام خیرخواهانه انسان برای خدمت به شخص خاصی نبوده، بلکه منظور، حفظ مصالح عامه باشد، این مورد نیز مشمول قاعده احسان خواهد بود (محقق داماد، ۱۳۷۴: ج ۲، صص ۲۶۴، ۲۷۵-۲۷۴). ولی در فرض مسأله، عامل ورود خسارت، به زیان‌دیده احسانی نکرده است تا در برابر وی از مسؤولیت معاف گردد؛ هرچند مطابق انصاف، باید کسی را که از اتلاف مال دیگری سود برده است نیز به عنوان استفاده‌کننده بدون جهت (دارا شدن غیرعادلانه) در مقابل مالک مسؤول شناخت. بدیهی است رجوع زیان‌دیده به شخص اخیر، در صورتی به مصلحت اوست که وی نتواند خسارات وارد به خود را از طریق مراجعه به عامل ورود زیان جبران نماید.

شایان ذکر است که مسؤولیت سودبرنده در اینجا را نمی‌توان در قالب مسؤولیت مدنی مورد بررسی قرار داد؛ چه در حقوق ایران، مبنای مسؤولیت مدنی اتلاف و تسبیب است. به همین دلیل، بعضی استادان، استیفا (اعم از مشروع یا نامشروع) را به عنوان مبنایی دیگر برای ایجاد تعهد مطرح کرده‌اند (کاتوزیان: صص ۳۷۲-۳۶۷).

مسؤولیتی که در اینجا بر مبنای استفاده بدون جهت (استیفای نامشروع) به وجود می‌آید، با مسؤولیت مدنی به دو لحاظ متفاوت خواهد بود: نخست اینکه شخص، تنها در فرضی مسؤول شناخته می‌شود که از زیانی که به غیر رسیده است سودی عاید او شده باشد؛ دیگر اینکه در حدود همین مبنا (استفاده بدون جهت) شخص، ملزم به جبران خسارت است.

با توجه به مطالب بالا، بدیهی است که مسؤولیت استفاده‌کننده بدون جهت به مراتب از مسؤولیت مدنی سبک‌تر خواهد بود.

در فرضی که خطر، مال دیگری را تهدید می‌کند، چنانچه صاحب مال به هنگام بروز خطر حاضر نباشد، اگر تحصیل اجازه از او در آن موقع مقدور نبوده یا تأخیر در دخالت موجب خسارت دیدن مالک شود، به استناد ماده ۳۰۶ ق.م. (اداره مال غیر) عامل زیان بعد از مراجعه زیان‌دیده و پرداخت خسارت، حق مراجعه به صاحب مال را خواهد داشت. دلیل این امر آن است که جلوگیری از وارد آمدن خسارت به اموال دیگران در فرض عدم امکان دسترسی به مالک یا نماینده او از وظایف حاکم است و چنانچه حاکم در دسترس نبوده یا تأخیر در دخالت موجب ضرر شود، از باب حسبه این وظیفه بر عهده عدول مؤمنان و در نهایت، عموم مردم عهده‌دار این وظیفه خواهند بود.

بنابراین در فرض بالا چون عامل ورود زیان برای دفع ضرر از صاحب مال با اذن شرع اقدام کرده، مالک مال نسبت به خساراتی که او متحمل شده است (بر مبنای اداره مال غیر) مسؤول شناخته می‌شود (محقق داماد: صص ۲۷۶-۲۷۵).

در حقوق فرانسه در جایی که عمل زیانبار به هدف حمایت از جان یا مال شخص ثالث انجام گرفته باشد، بر مبنای موازین انصاف، شخص صدمه‌دیده می‌تواند مبلغی را به عنوان غرامت از کسی که مال یا جان او نجات پیدا کرده‌است دریافت کند. در این مورد نیز قضات و نویسندگان حقوقی، توسعه دیگری را برای قاعده داراشدن غیر عادلانه پذیرفته‌اند. بدیهی است در موردی که تعرض به حقوق دیگری به انگیزه حمایت از نفع عمومی باشد، هیچ‌گونه غرامت و خسارتی قابل مطالبه نخواهد بود (Mohr & Tubinges: P.85). در یک موضع‌گیری مشابه با حقوق فرانسه، در کامن لا «آنجا که خطر، جامعه یا افراد بی‌شماری را تهدید کند و شخص به خاطر دفع آن، مرتکب عمل زیانبار شود، وی مسؤولیتی را در برابر خسارت وارده به دیگری نخواهد داشت.» بنابراین کسی که برای جلوگیری از گسترش یک حریق بزرگ، خانه‌ای را تخریب می‌کند یا یک سگ هار را در خیابان می‌کشد یا لباسی را که آلوده به میکروب آبله شده است می‌سوزاند و یا در زمان جنگ، اموالی را که نباید به دست دشمن بیفتند از بین می‌برد، در مقابل مالک آن هیچ‌گونه مسؤولیتی ندارد.

شایان ذکر است تعداد اشخاصی را که باید به مخاطره بیفتند تا اضطرار اجتماعی تحقق یابد، هنوز دادگاهها تعیین نکرده‌اند. (Barrows and Others: P.845; Prosser: P.127\_128)

### ۳\_ اضرار به غیر برای دفع ضرر از او

در موردی که انسان به خاطر دفع ضرر مالی یا جانی از دیگری به او زیان وارد می‌سازد، در فقه مثالهای مختلفی آمده است؛ از جمله اینکه شخص برای جلوگیری از سوختن یا غرق شدن دیگری، ناچار می‌شود که لباس او را پاره کند.

در چنین مواردی، عامل زیان را نمی‌توان مسؤول شناخت؛ زیرا وی به قصد احسان به زیان‌دیده مرتکب عمل زیانبار شده است و ثبوت ضمان بر محسن، سبیل است و شرعاً از او نفی شده است (وما علی المحسنین من سبیل) (بجنوردی، ۱۳۹۱: ج ۴، ص ۱۳).

### ۴\_ اضرار به خود برای دفع ضرر از غیر

مسأله قابل طرح، این است که اگر زیان‌دیده (عامل ورود زیان به خود) در ایجاد

وضعیت اضطراری دخالتی نداشته باشد، آیا می‌توان شخصی را که از او بدین وسیله دفع ضرر کرده است مسؤول شناخت یا خیر؟

در پاسخ به سؤال بالا، دو فرض را باید از هم تفکیک کرد: موردی که دفع ضرر از غیر و اضرار به خود، به درخواست او صورت گرفته است؛ مورد دیگر جایی است که چنین تقاضایی انجام نگرفته باشد.

در فرض نخست، مثال شایع در فقه، موردی است که یک کشتی در شرف غرق شدن باشد و یکی از سرنشینان از صاحب کالا بخواهد که کالای خود را به دریا بیندازد. در این مورد، بیشتر فقیهان برآنند که به مقتضای اصل برائت، درخواست کننده در مقابل مالک ضامن نیست (حلی: ج ۸، ص ۳۰۹، نجفی: ص ۱۴۹). ولی همان‌طور که بعضی محققان گفته‌اند، به نظر می‌رسد که اگر انداختن کالا به دریا به مصلحت درخواست کننده باشد، مانند فرضی که صاحب کالا با شنا کردن بتواند خود را از مرگ نجات دهد و خطر، درخواست کننده را تهدید کند، وی باید خسارات وارد بر مالک را جبران کند و بهای اموالی را که به درخواست او تلف شده است بپردازد؛ زیرا همان‌طور که مطابق قاعده اتلاف، کسی که مال دیگری را از بین ببرد ضامن است، استیفا کننده از مال غیر را نیز باید مسؤول شناخت (طباطبایی حکیم، بی تا: ج ۱۳، ص ۳۶۲).

در تأیید نظریه اخیر در حقوق ایران، می‌توان به ماده ۳۳۷ ق. م (در استیفاء مشروع از مال غیر) استناد کرد. برابر ماده مزبور: «هرگاه کسی بر حسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیر استیفاء منفعت کند، صاحب مال، مستحق اجرت‌المثل خواهد بود، مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده.»

در فرض دوم که دفع ضرر از غیر به درخواست او انجام نگرفته است و دافع در اثر آن زیان می‌بیند، اگر در فرض یادشده جان دیگری در معرض خطر و تهدید قرار گرفته باشد، بر اساس آنچه در فقه گفته شده است، اگر در نتیجه چنین اقدامی، شخص یا اشخاصی زیان ببینند، نمی‌توانند به فردی که او را نجات داده‌اند مراجعه کنند؛ خواه به قصد رجوع، دست به چنین کاری زده باشند یا نه.

صاحب جواهر در این باره می‌نویسد:

«اگر مالک به جهت ترس از جان خود یا دیگری، به دست خویش کالای خود را به دریا بیندازد، هیچ‌کس در مقابل او مسؤول نیست؛ به دلیل اصل عدم ضمان (یا اصل برائت) و غیر آن (قاعده اقدام)» (نجفی: ص ۱۵۲).

ولی در این مورد نیز باید بر آن بود که شخص نجات‌یافته بر مبنای استیفاء بدون

جهت در برابر نجات‌دهنده مسؤول می‌باشد. مشروط بر اینکه وی به قصد رجوع، دست به چنین کاری زده باشد.

پس آنجا که نجات جان انسانی مطرح است، درخواست یا عدم درخواست شخص برای نجات خویش، تأثیری در مسؤولیت وی در مقابل نجات‌دهنده در حدودی که در بالا ذکر شد ندارد.

چنانچه مال دیگری در معرض تلف باشد، از نظرگاه فقهی اگر امکان استیذان از مالک یا حاکم برای دفع ضرر وجود داشته باشد و شخص خودسرانه اقدام کرده و زیان ببیند، حق مراجعه به مالک را نخواهد داشت.

شهید ثانی در کتاب *اجاره شرح لمعه* چنین می‌نویسد:

«هزینه چارپا بر عهده مالک است، نه مستاجر؛ بنابراین اگر مالک حضور داشته باشد، خود شخصاً علوفه می‌دهد. در غیر این صورت، مستأجر با اذن مالک علوفه داده و سپس به او مراجعه می‌کند و اگر به علت عدم امکان استیذان از مالک یا حاکم، مستأجر به قصد مراجعه به مالک به حیوان علوفه دهد، می‌تواند رجوع کند» (جبعی عاملی، بی تا: ج ۴، صص ۳۵۷-۳۵۶).

از عبارت بالا به خوبی می‌توان این مطلب را استفاده کرد که اگر مستأجری که حیوان در اختیار اوست و امین مالک است، با امکان استیذان از مالک، بدون اذن او به حیوان علوفه دهد، حق رجوع ندارد (هرچند برای دفع ضرر از او باشد)؛ غیر مستأجر به طریق اولی نمی‌تواند مراجعه کند.

در حقوق ایران، به نظر می‌رسد که با تحقق شرایط مندرج در ماده ۳۰۶ قانون مدنی و بر طبق قواعد حاکم بر اداره اموال غیر، دفع‌کننده ضرر می‌تواند در این مورد از شخصی که از اقدام مزبور سود برده است خسارت بگیرد (کاتوزیان: ص ۱۸۱).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این باره که آیا ارتکاب فعل زیانبار در مواقع اضطرار، شخص را از مسؤولیت مدنی معاف می‌کند یا خیر، دو دیدگاه متفاوت مطرح است:

در دیدگاه نخست، اضطرار رافع مسؤولیت مدنی نیست و خسارات وارد به زیان‌دیده باید جبران شود. در حقوق ما، این مسؤولیت بر مبنای قاعده اتلاف توجیه‌پذیر خواهد بود. در این مورد، تفاوتی میان اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب وجود ندارد و صرفاً صدق تلف عرفی است که ایجاد مسؤولیت می‌کند.

شایان ذکر است تنها در مواردی که اقدام به ارتکاب عمل زیانبار به منظور دفع ضرر از شخص زیان‌دیده یا حفظ مصلحت عامه باشد، عامل ورود زیان از مسؤولیت مدنی به طور کلی معاف خواهد شد (قاعده احسان).

در آن دسته از نظام‌های حقوقی که اضطرار رافع مسؤولیت مدنی است، قهراً مسؤولیت جبران کامل خسارت بر مبنای شبه جرم (Tort) منتفی است. ولی رویه قضایی و دکتترین در خصوص جبران بخشی از خسارات، نظر مساعدی از خود نشان داده است. این خسارت در بعضی از سیستم‌های حقوقی به طور مشخص بر مبنای استفاده بدون جهت از طرف زیان‌دیده قابل مطالبه خواهد بود. بدین ترتیب در دیدگاه دوم نیز سعی شده است تا حدودی از خسارت‌دیده رفع ضرر گردد.

لازم به ذکر است در موردی که دفع ضرر از دیگری مستلزم ورود زیان به دفع‌کننده یا ثالث است، کسی که اقدام به عمل مزبور، برای حفظ جان یا مال او انجام گرفته است، حسب مورد بر مبنای استیفا (که ممکن است مشروع یا نامشروع باشد) یا اداره مال غیر مسؤول شناخته می‌شود.

## منابع

- ۱\_ ابن منظور، محمد بن مكرم، **لسان العرب**، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ۱۴۰۸ ق، ۱۹۸۸ م، ج ۸
- ۲\_ اسماعیل، محمدبکر، **القواعد الفقهیه**، دارالمنار، ج ۱، ۱۴۱۷ ق - ۱۹۹۷ م.
- ۳\_ امامی، سید حسن، **حقوق مدنی**، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ج ۶، ۱۳۶۶ ش، ج ۱.
- ۴\_ انصاری، شیخ مرتضی، **المکاسب**، بیروت، مؤسسه النور، ج ۱، ۱۴۱۰ ق، ۱۹۹۰ م، ج ۸.
- ۵\_ \_\_\_\_\_، **فرايد الاصول**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱، ۱۴۰۷ ق - ۱۳۶۵ ش.
- ۶\_ بجنوردی، میرزا حسن، **القواعد الفقهیه**، نجف اشرف، مطبعة الآداب، ج ۲، ۱۳۹۱ ق. ۱۹۷۱ م، ج ۴.
- ۷\_ البوزنو محمد صدقی بن احمد، **موسوعة القواعد الفقه**، بیروت، مؤسسه الرساله، ج ۱، ۴۲۳ ق، ۲۰۰۳ م، ج ۵.
- ۸\_ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **دايرة المعارف حقوق مدنی و تجارت**، تهران، بنیاد راستاد، ج ۱، ۱۳۵۷، ج ۱.
- ۹\_ الجبعی العاملی، زین الدین، (شهید ثانی)، **مسالك الافهام**، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ج ۱۴۱۴، ج ۱۲.
- ۱۰\_ \_\_\_\_\_، **الروضة البهیة**، نجف اشرف، جامعة النجف الدینیة، ج ۱، بی تا، ج ۴.
- ۱۱\_ الحسینی العاملی، سید محمد جواد، **مفتاح الكرامة**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۵.
- ۱۲\_ الحسینی المرآغی، سید میر عبدالفتاح، **العناوین**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱، ۱۴۱۳ ق، ج ۲.
- ۱۳\_ الحلّی، جعفر بن سید (محقق حلّی)، **شرايع الاسلام**، بیروت، دارالزهراء، ج ۱، ۱۴۰۹ ق، ۱۹۸۸ م، ج ۸.
- ۱۴\_ الحنفی الحموی، احمد بن محمد، **غمز عیون البصائر**، بیروت، دارالکتب العلمیة، ج ۱، ۱۴۰۵ ق، ج ۱.
- ۱۵\_ رشتی، میرزا حبیب الله، **الغصب**، چ سنگی (به کوشش شیخ احمد شیرازی، ۱۳۲۲ ق).
- ۱۶\_ الزرکشی الشافعی، بدرالدین محمد، **المنثور فی القواعد**، کویت، شرکت دارالکویت، ج ۱، ۱۴۰۵ ق، ج ۲.
- ۱۷\_ شهیدی، مهدی، **تشکیل قراردادها و تعهدات**، تهران، نشر حقوقدان، ج ۱، ۱۳۷۷ ش، ج ۱.
- ۱۸\_ الطوسی، محمد بن الحسن (شیخ الطائفة)، **المبسوط**، تهران، المكتبة المرتضویة، ج ۳، ۱۳۷۸ ق، ج ۷.
- ۱۹\_ الطباطبای الیزدی، سید محمد کاظم، **حاشیة کتاب المکاسب**، قم، دارالمصطفی لاحیاء التراث، ج ۱، ۱۴۲۳ ق، ۲۰۰۲ م، ج ۲.
- ۲۰\_ الطباطبای الحکیم، سید محسن، **مستمسک العروة الوثقی**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۱، بی تا، ج ۱۳.
- ۲۱\_ غفوریان، احمد، **نقش اضطرار در مسؤولیت مدنی**، نشریة دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه، ش ۵، ۱۳۶۰ ش، ش ۲۲.
- ۲۲\_ فیض کاشانی، ملامحسن، **مفاتیح الشرايع**، قم، مجمع الذخائر الاسلامیة، ج ۱، ۱۴۰۱ ق، ج ۳.
- ۲۳\_ قاسم زاده، سید مرتضی، **مبانی مسؤولیت مدنی**، تهران، نشر دادگستر، ج ۱، ۱۳۷۸ ش.
- ۲۴\_ قلعه چی، محمد رواس، **الموسوعة الفقهیه (المیسره)**، کویت، دارالنفایس، ج ۱، ۱۴۲۱ ق، ۲۰۰۰ م، ج ۳.
- ۲۵\_ کاتوزیان، ناصر، **حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)**، تهران، انتشارات بهنشر، ج ۱، ۱۳۶۴، ج ۱.
- ۲۶\_ \_\_\_\_\_، **مسؤولیت مدنی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲، ۱۳۶۹.

- ٢٧\_ كامل، عمر عبدالله، الرخصة الشرعية، مكة المكرمة، دارابن حزم، ج١، ١٤٢٠ق، ١٩٩٩م.
- ٢٨\_ الكركي، علي بن الحسين (محقق ثانی)، **جامع المقاصد**، قم، مؤسسه آل البيت، ج١، ١٤٠٨ق، ج٥.
- ٢٩\_ المجلس الاعلى للشؤون الاسلاميه، **موسوعة الفقه الاسلامي**، قاهره، ج١، ١٤١٠-١٩٩٠م. ج١٤.
- ٣٠\_ محمصاني، صبحي رجب، **فلسفة التشريع في الاسلام**، بيروت، دارالعلم للملایین، ج٥، ١٩٨٠م.
- ٣١\_ \_\_\_\_\_، **النظرية للموجبات والعقود في الشريعة الاسلاميه**، بيروت، مكتبة الكشاف، ١٩٤٨م، ج١.
- ٣٢\_ محقق داماد، سيد مصطفی، **قواعد فقه (بخش مدنی)**، تهران، انتشارات سمت، ج٢، ١٣٧٦ش، ج٢.
- ٣٣\_ \_\_\_\_\_، مرقس، سليمان، **الوافي في شرح القانون المدني**، مصر، ج٥، ١٩٩٢م، ج١.
- ٣٤\_ **محاضرات في المسؤولية الدينيه (احكام العامه)**، جامعة الدول العربية، ١٩٥٨م، ج١.
- ٣٥\_ مروايد، علي اصغر، **المصادر الفقهية**، بيروت، دارالتراث، ج١، ١٤٢١ق، ٢٠٠٠م، ج٣٥.
- ٣٦\_ مكارم شيرازي، ناصر، **القواعد الفقهية**، قم، مدرسة الامام اميرالمؤمنين(ع)، ج٤، ١٤١٦ق، ج٢.
- ٣٧\_ المقرئ الفيومي، احمد بن محمد، **مصباح المنير**، ١٣٤٧ق، ١٩٢٧م، ج٢.
- ٣٨\_ النمله، عبدالكريم بن علي، **الرخص الشرعية (واثباتها بالقياس)**، رياض، مكتبة الرشد، ج٢، ١٤٢٠ق، ١٩٩٩م.

39. Mohr, J.C.B & Tubingen, Torts, **IN INTERNATIONAL ENCYCLOPEDIA OF COMPARATIVE LAW**, ED, by tunc ander, the Hague. Boston, London, Martinus Nihoff Publshers, 1973, vol XL, Part I.
40. Barrows, John F. & Mulgan Margaret A & MC Gregor Vennell, Margaret A. Chambers S. **THE LAW OF TORTS (NEW ZEALAND)**, ED. by Todd, Stephen M.D, the Book Company Limited, 1991
41. Osser, William L, **THE LAW OF TORTS (IN UNITED STATES)**. West publshing, Company, third edition, 1964
42. Jones, Michael A. , **TEXTBOOK ON TORTS**, London, Blackstone press limited third editon, 1991.
- 43\_ Markesinis, B.S & Deakin, S.F., **TORT LAW**, Oxford, Claredon, press, third edition 1994.
- 44\_ Scott, D.M.M "O" **LEVEL ENGLISH LAW**, London, Buttherworths, fourt edition, 1981.